

تاکید استاندار تهران بر
جلوگیری از بیکاری نیروی شاغل

استاندار تهران، جلوگیری از بیکاری نیروی شاغل را یکی از راهبردهای اصلی کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان خواند، به گزارش ایرنا، نوشیروان محسنی بندپی در کارگروه تصویب و رفع موانع تولید استان تهران، گفت: بیکاری یک فرد شاغل علاوه بر افزایش تعداد بیکاران، تبعات روحی و روانی بسیاری را به همراه دارد. باید حافظ نیروی شاغل موجود در بنگاه‌های اقتصادی باشیم و در کنار آن نیز برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید چاراندیشی کنیم. وی افزود: در مدت چهار سال، سه میلیون نفر به جمعیت فعال کشور اضافه شد و برای دو میلیون و ۱۰۰ هزار نفر فرصت شغلی جدید ایجاد شده است. دولت متعهد شده تا سالانه حداقل برای یک میلیون نفر فرصت‌های شغلی جدید ایجاد کند. ورود جمعیت فعال و خواهان شغل کشور به حوزه اشتغال مطالبه‌ای است که باید برنامهای دقیق برای آن تدوین شود. به گفته بندپی، یکی از مسئولیت‌های کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید، صیانت از اشتغال موجود است چرا که از نظر روان‌شناسی حفظ اشتغال مهم‌تر از ایجاد شغل جدید است. امروز کشور در شرایط خاص اقتصادی قرار دارد از سویی تحریم‌ها مانع ورود قطعات ماشین‌آلات و مواد اولیه می‌شود و از سویی دیگر بانک‌ها نیز سود غیرمتعارفی در یافت می‌کنند. یکی از راهبردهای کارگروه تسهیل باید جلوگیری از بیکاری نیروهای شاغل موجود باشد. استاندار تهران تأکید کرد: شرکتی همچون «کیسون» که زمانی ۷۰ تا ۸۰ هزار نیروی کار داشت، امروز این آمار را به ۳۰۰ نفر رسانده که جای نگرانی و تأسف دارد.

تجمع کارگران بلبرینگ‌سازی
در اعتراض به تعویق مزد

صبح دیروز (دوم ده ماه) شماری از کارگران کارخانه بلبرینگ‌سازی تبریز «در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران علت برپایی این اعتراض صنفی خود را چهار ماه معوقات مزدی اعلام کرده‌اند. این کارگران می‌گویند: با وجود آنکه این واحد صنعتی از آبان ماه سال گذشته از بخش خصوصی به هیات حمایت از صنایع واگذار شده، ماهنوز بابت چهار ماه مزد معوقه طلبکاریم. معترضان می‌گویند: در طول ۱۴ ماه گذشته که این کارخانه تحت مسئولیت هیات حمایت از صنایع قرار گرفته، اتفاق خاصی در روند آغاز فعالیت تولیدی کارخانه مشاهده نشده و مشکلات مالی کارخانه همچنان به قوت خود باقی است. به گفته آنها، پیش از این بلبرینگ‌سازی به مدت یک دهه به بخش خصوصی واگذار شده بود که در نتیجه اجرای غلط قانون خصوصی‌سازی با مشکل کمبود نقدینگی مواجه شد و مطالبات مزدی کارگران تا هشت ماه به تأخیر افتاد. به گفته کارگران کارخانه بلبرینگ‌سازی تبریز، این واحد یکی از موفق‌ترین واحدهای صنعتی آذربایجان شرقی محسوب می‌شد که تا پیش از سال ۹۱ محصولات آن به صورت پیش‌فروشی عرضه می‌شد اما در حال حاضر دچار رکود در تولید شده است.

اعتراض کارگران قطار شهری
اهواز به دومین روز رسید

اعتراض جمعی از کارگران پروژه ساخت «قطار شهری اهواز» که از روز شنبه در واکنش به بی‌توجهی پیمانکار به وضعیت پرداخت‌نشدن مطالبات مزدی آغاز شده بود، دیروز نیز ادامه یافت. به گزارش ایلنا و به گفته کارگران، آنها تا پرداخت نشدن حداقل بخشی از مطالباتشان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. یکی از کارگران معترض گفت: در آخرین تجمع کارگران قطار شهری که به مدت سه روز (روزهای یازدهم تا سیزدهم آذرماه) انجام شد کارفرما وعده داده بود که مطالبات کارگران را حداکثر تا پایان آذر ماه پرداخت کند. به ادعای این کارگر، با وجود اعتراضات کارگری هنوز پاسخ روشنی از سوی شرکت پیمانکاری کیسون و مسئولان سازمان قطار شهری اهواز به عنوان کارفرمای اصلی، درباره پرداخت حداقل بخشی از معوقات ۱۹ ماهه مزدی به آنان داده نشده است.

نمایندگان جامعه کارگری در واکنش به تلاش برای حذف حداقل دستمزد:

مزد منطقه‌ای به کارمان نمی‌آید



نسرین هزاره مقدم

دستمزد مناسب برای زندگی جهانی، آن میزانی از درآمد نیروی کار است که بتواند هزینه‌های حداقلی زندگی را برآورده کند. در برخی نقاط جهان، مقدار دقیق این مولفه، تعیین‌کننده «خط فقر نسبی» است اما معمولاً با محاسبات دقیق، کمی بالاتر از «خط فقر مطلق» می‌ایستد. مقدار Living Wage در کشورهای مختلف، توسط محققان و پژوهشگران اقتصاد به طور مستقل، تعیین می‌شود و با حداقل دستمزد رسمی و مصوب سه‌جانبه (minimum wage) متفاوت است. برای مثال، در بریتانیا، این رقم سالانه توسط بنیادی غیردولتی به همین نام محاسبه می‌شود. در سال ۲۰۱۵، مقدار دقیق این مولفه، ۹.۱۵ دلار در ساعت برای لندن و ۷.۸۵ دلار در ساعت برای باقی نقاط کشور تعیین شده، در حالی که حداقل دستمزد رسمی برای هر نفر، ساعتی ۶.۵۰ دلار است.

برای محاسبه این دستمزد از متدهای مختلفی استفاده می‌شود. متداول‌ترین روش که در قانون کار ایران نیز به همین روش استناد شده محاسبه براساس سبد هزینه جامع خانوار است که کمترین نرخ قابل قبول و در دسترس اقلام، خدمات و سرویس‌های مورد نیاز خانواده تخمین زده می‌شود و براساس آن دستمزد مناسب زندگی محاسبه می‌شود. بنابراین، سبد معیشت حداقلی که توسط کارگروه دستمزد شورای عالی کار تعیین می‌شود

و به گفته فرامرز توفیقی، رئیس این کارگروه در سال جاری از مرز ۵ میلیون تومان نیز گذشته، همان دستمزد مناسب برای زندگی است. اماروش دیگری نیز برای محاسبه Living Wage وجود دارد. این روش براساس نمودار توزیع ثروت عمل می‌کند. در این روش، دستمزد مناسب برای زندگی به گونه‌ای محاسبه می‌شود که برابر با ۶۰ درصد متوسط دستمزد‌های جامعه باشد. از این روش در برخی کشورهای اروپایی از جمله آلمان استفاده می‌شود. در آلمان حتی خدمات اجتماعی ارائه شده به بیکاران که به پروژه «هارتس ۴» معروف است، براساس همین مکانیسم عمل می‌کند یعنی مقرری پرداخت شده به بیکاران یا نیازمندان کمتر از ۶۰ درصد میانگین دستمزد‌ها نیست. البته این روش محاسبه براساس میانگین گیری، در جوامعی با توزیع نا عادلانه ثروت و تضاد طبقاتی فاحش، کارآمدی کافی ندارد.

پس از محاسبه مقدار خام دستمزد مناسب زندگی، معمولاً درصد کمی (۱۰ یا ۱۵ درصد) به آن افزوده می‌شود. این افزایش به منظور جلوگیری از سقوط به زیر خط فقر مطلق در صورت بروز رویدادهای اقتصادی غیرمنتظره مانند تورم غیرقابل پیش‌بینی یا رکود اقتصادی ناگهانی اعمال می‌شود. اگر این ملاحظات لحاظ شود، مقدار خام Living Wage می‌تواند معرف خط فقر نسبی و کمی بالاتر از خط فقر مطلق باشد. پس در ایران سبد معیشتی که حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان محاسبه شده، همان

علی‌حدایی، عضو کارگری شورای عالی کار که در مذاکرات مزدی به نمایندگی از کارگران حضور دارد، با تأکید بر اینکه «مزد منطقه‌ای» نیاز

در شرایطی که به گفته توفیقی، حداقل دستمزد کفاف ۵۰ درصد سبد خانوار در کم‌برخوردارترین روستای کشور را نمی‌دهد سخن گفتن از «مزد توافق» تلاش برای زمینه‌چینی استثمار است

به ضروریاتی دارد که این ضروریات در ایران فراهم نیست، می‌گوید: مزد منطقه‌ای، ابداع جدیدی نیست و در قانون کار، از آن سخن گفته شده.

در ماده ۴۱ قانون کار، وظیفه تعیین حداقل دستمزد بر عهده شورای عالی کار گذاشته شده و آمده که این شورا موظف است همه ساله میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف، با احتساب یک‌سری معیارها تعیین کند. وی تأکید می‌کند: معنای نقاط یا صنایع مختلف همان مزد منطقه‌ای است، منتها به دلیل نبود محاسبات دقیق، منظم و مستقل، تاکنون حداقل مزد برای همه کشور یکسان تعیین شده است. باید این را در نظر بگیریم که دو شرط تعیین حداقل دستمزد، یعنی نرخ تورم و محاسبه سبد معیشت، برای حداقل دستمزد در تمام نقاط کشور صادق است و هیچ‌کس نمی‌تواند به بهانه دفاع از مزد منطقه‌ای، به دنبال مزدهای کمتر از حداقل مصوب باشد.

خدایی با بیان اینکه آنچه تاکنون به عنوان «حداقل دستمزد» در شورای عالی کار تصویب شده، هرگز

شرایط ماده ۴۱ را برآورده نکرده می‌افزاید: مطرح کردن بحث‌هایی مثل مزد منطقه‌ای یا از آن بدتر، مزد توافقی، نمی‌تواند بر خسی آقایان را به اهداف‌شان برساند. ما اهل توافق هستیم اما توافق بالاتر از حداقل دستمزد. در مناطقی که هزینه‌های زندگی بالاتر است، می‌شود روی نرخ‌های بالاتر از حداقل مزد توافق کرد اما هیچ توافقی برای پرداخت‌های کمتر از حداقل دستمزد، عملی نخواهد شد.

نماینده کارگران در شورای عالی کار می‌گوید: تعجب‌برانگیز است که فاصله فاحش سبد معیشت و دستمزد و پرنشدن این فاصله در دهه‌های گذشته، کسی را به فکر نینداخته که باید برای اجرای قانون به دولت و کارفرمایان فشار آورد. حتی نمایندگان مجلس نیز در این زمینه اقدامی نکرده‌اند اما اجرایی نشدن «مزد منطقه‌ای» که یک الزام قانونی نیست و در کشورهایی که شبکه مدنی قوی ندارند، امکان اجرایی شدن ندارد، مورد انتقاد و واکنش همین آقایان قرار گرفته است!

شبکه مدنی قوی؛ ضرورت اجرایی شدن مزد منطقه‌ای
به تعبیر خدایی، وجود شبکه مدنی قوی برای اجرایی شدن مزد منطقه‌ای یک ضرورت است چرا که اگر کارگران از اتحادیه‌های صنفی قوی و قدرت چانه‌زنی بالا برخوردار نباشند، مزد منطقه‌ای می‌تواند به ابزاری برای استثمار کارگران در مناطق محروم و کمتر برخوردار تبدیل شود.

فرامرز توفیقی هم با انتقاد از طرح این بحث‌ها می‌گوید: ما حتی یک نظام آماری یکپارچه و قابل استناد نداریم! هنوز اندر خم «شفافیت آماري» مانده‌ایم! هنوز نرخ تورم اعلام شده توسط دو مرجع رسمی یعنی بانک مرکزی و مرکز ملی آمار با هم همخوانی ندارد و گاهی تا سه درصد با هم تفاوت دارد. در این شرایط، چطور می‌خواهیم به مزد منطقه‌ای ورود کنیم؟!

توفیقی تأکید می‌کند: ورود به بحث مزد منطقه‌ای، نیاز به شفافیت آماری و بانک اطلاعاتی دقیق، درست و قابل استناد دارد. تحقیقات و مطالعات برای ورود به مزد منطقه‌ای لازم است. در همه جای جهان، یک مزد حداقلی برای سراسر کشور تعیین می‌کنند و بسته به شرایط خاص اقلیمی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی، در برخی مناطق، مزد از این حداقل بالاتر می‌رود. یعنی یک «کف دستمزد» وجود دارد که به همه کارگران، بلا استثنا تعلق می‌گیرد.

خدایی: ما اهل توافق هستیم اما توافق بالاتر از حداقل دستمزد. در مناطقی که هزینه‌های زندگی بالاتر است، می‌شود روی نرخ‌های بالاتر از حداقل مزد توافق کرد اما هیچ توافقی برای پرداخت‌های کمتر از حداقل دستمزد، عملی نخواهد شد

حال هر جا که شرایط کارگران سخت‌تر باشد، با مزد بالاتر از این کف حداقلی توافق می‌شود. پس حداقل دستمزد، در همه جا حفظ می‌شود. این فعال کارگری می‌گوید: حداقل مزدی که ۵۰ درصد سبد خانوار را در محروم‌ترین روستای کشور پوشش نمی‌دهد، نباید مورد حمله و انتقاد قرار بگیرد. همین مثل تهران و اصفهان، یک پنجم هزینه‌های زندگی را پوشش نمی‌دهد. صحبت از حذف این حداقل ناکافی، تلاش برای زمینه‌سازی استثمار است!

گسترش فقر با قانون اساسی منافات دارد

وی هشدار می‌دهد: «کلونیزه کردن مشاغل» در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد. مناطقی را با توجه به خصایص فرهنگی و اقتصادی آن مناطق، به عنوان کلونی مشاغل خاص در نظر می‌گیرند ولی این کار با استثمار محرومان و کمتر برخورداران همراه نیست. تسهیل‌گری برای سرمایه‌گذار و کوتاه کردن زنجیره تأمین تولید، برعهده دولت است. از حقوق کارگر که نباید بکاهد تا به سرمایه‌دار بیفزایند! نیروی کاری که تأثیر دستمزدش در قیمت تمام شده کالا، به اعداد دورقمی نمی‌رسد، چرا باید هدف قرار بگیرد؟ چگونه می‌خواهند با کاهش از الزامات مزدی، اشتغال منطقه‌ای را تسهیل کنند؟!

نیت آنها که این بحث‌ها را مطرح می‌کنند، بدون تردید «خیر» نیست. توفیقی این را با قطعیت می‌گوید و می‌افزاید: گسترش فقر و فقر آفرینی با قانون اساسی منافات دارد. قرار بوده رفاه توزیع کنیم نه فقر و بی‌حقوقی را. خدا را شکر که انتشار دامپینگ تورم نشان داد که استان‌های محروم و کم‌برخوردار مثل زاهدان و ایلام، بالاترین جهش تورمی را دارا هستند. پس هیچ بهانه‌ای ندارند که ادعا کنند هزینه‌ها در مناطق محروم کمتر است پس مزد هم باید کمتر باشد!



این کارشناس مسائل اقتصادی با بیان اینکه قانون کار باید پاسخگوی حداقل نیاز کارگران باشد، گفت: در این قانون صراحتاً تأکید شده که حداقل مزد باید بتواند پاسخگوی معیشت یک خانوار باشد و هزینه‌های زندگی را تأمین کند بنابراین مزدی که نتواند کفاف هزینه‌های معیشت کارگران را بدهد، مزد نیست.

وی گفت: در چنین شرایطی فرد ناچار می‌شود یا از بعضی هزینه‌های اصلی زندگی مثل تغذیه و درمان و تأمین سرپناه مناسب صرف‌نظر کند یا اینکه مرتکب اعمال خلاف قانون شود و خود را گرفتار کند به همین دلیل در تمام کشورها کارفرمایان مکلف به پرداخت حداقل دستمزد قانونی به کارگران خود هستند.

حقوقی که کفاف هزینه زندگی را ندهد، مزد نیست

این است که نمایندگان کارگری تلاش می‌کنند درصد افزایش مزد را بالا ببرند و نمایندگان کارفرمایی برای پایین آوردن آن تلاش می‌کنند، نماینده دولت هم در صدد است با در نظر گرفتن مصالح کشور، تعادلی میان دو پیشنهاد برقرار کند.

ممتاز با بیان اینکه حداقل مزد باید به نحوی تعیین و تصویب شود که زندگی یک خانوار را تأمین کند، خاطر نشان کرد: فعالان و صاحب‌نظران اقتصادی از دیرباز تأکید دارند که مزد در یافتی یک فرد عادی در صورت کار تمام‌وقت، باید پاسخگوی حداقل نیازهای اساسی و معیشتی او باشد، در غیر این صورت به ایجاد بی‌نظمی و اخلاص منجر شده و هزینه‌های سنگینی بر جامعه و فرد تحمیل خواهد کرد.

رانی‌دهد و در نقطه مقابل آنها، کارفرمایان می‌گویند اگر نرخ دستمزد به یک‌باره افزایش پیدا کند، بیشتر صنایعی که با بهره‌وری پایین کار می‌کنند و بازدهی مناسبی ندارند دچار رکود و تعطیلی می‌شوند و کارگران آن صنایع از همین حداقل مزد محروم شده و به جمعیت بیکار کشور اضافه می‌شوند، اما راه‌حل این تضاد چیست و کشورهای دیگر در مواجهه با این مساله چه راهکاری در پیش گرفته‌اند؟

این کارشناس مسائل اقتصادی با طرح این پرسش که چه عاملی مانع بالا بردن حداقل مزد کارگران می‌شود؟ گفت: هر سال برای تعیین حداقل مزد در شورای عالی کار، جلسهای میان نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت تشکیل می‌شود و روال